

بررسی چالش‌ها و راهبردهای تجارت با کشورهای همسایه

(مطالعه موردی: ترکیه، عراق، پاکستان و افغانستان)



معاونت بررسی‌های اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران





تهیه و تنظیم:

رضا توکلی
امیرحسین عرب پور
محمد ذاکری نیا

معاونت بررسی های اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

مواضع این گزارش، الزاماً مواضع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران نیست.

بهمن ۱۴۰۲

از طریق پست الکترونیکی زیر می توانید پیشنهادات و نظرات اصلاحی خود را به واحد مربوطه منعکس نمایید:

economic_research@tccim.ir

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.



فهرست مطالب

۷ مقدمه
۹ افغانستان
۱۰ چالش ها
۱۲ راهبردها
۱۵ عراق
۱۶ چالش ها
۱۹ راهبردها
۲۱ ترکیه
۲۲ چالش ها
۲۴ راهبردها
۲۵ پاکستان
۲۷ چالش ها
۲۹ راهبردها
۳۳ نتیجه گیری
۳۴ منابع

مقدمه

ایران، کشوری پهناور واقع در غرب آسیا است که به گواه تاریخ، میزبان یکی از تمدن های اولیه بشری با پشتوانه چند هزار ساله است. ظرفیت ها و مزیت های مختلف ایران در عرصه های مختلف همچون نیروی انسانی توانمند، منابع طبیعی ارزشمند، موقعیت ژئوپلیتیکی خاص و دسترسی های ممتاز جغرافیایی از این کشور یک قدرت چندوجهی در سطح منطقه و جهان ساخته است. با اکتشاف نفت در ایران و عدم برنامه ریزی صحیح برای چگونگی مدیریت آن در مسیر توسعه کشور طی یک قرن گذشته، اقتصاد ایران دچار وابستگی غیرقابل انکاری به درآمدهای ارزی حاصل از خام فروشی منابع طبیعی خصوصاً نفت پیدا کرد؛ عاملی که به سایه های سنگین بر بسیاری از ظرفیت های بالقوه رشد اقتصادی و توسعه کشور تبدیل شد. هرچند تحریم های اقتصادی علیه کشور امر بدیعی نیست و سابقه آن به اولین روزهای وقوع انقلاب اسلامی ایران بازمی گردد اما رفته رفته با تکمیل پازل تحریمی، هوشمندی و افزایش مستمر فشارها بر ایران، اثرات خود را به صورت مشکلات اقتصادی قابل توجهی از جمله تورم بالا، تضعیف منابع ارزی و دسترسی محدود به فناوری و سرمایه نشان داد. این پیامدها، سیاستمداران و تصمیم گیران کشور را بر آن داشت که به دنبال کاهش اتکا به نفت به منظور تقلیل تکانه های حاصل از تحریم های اقتصادی باشند. در این مسیر با توجه به دیگر ظرفیت های موجود کشور، در پی متنوع سازی درآمدها و توسعه همه جانبه ملی گام بردارند. علی رغم وجود اتکای کشور به نفت و گاز، ایران دارای اقتصاد متنوعی است. توجه به ظرفیت های موجود و تکیه بر مزیت های ایران نسبت به کشورهای منطقه و جهان، می تواند ضمن رهایی همیشگی کشور از اقتصاد تک محصولی و وابستگی به نفت، تحریم های اقتصادی را بی اثر کرده و همچون بومرنگ، هزینه های تحریم را به تحریم کنندگان بازگرداند. چرخش ریل اقتصادی کشور از اقتصاد توزیعی به اقتصاد تولیدی، تعریف موقعیت ایران در مسیر کریدورهای جهانی و شاهراه تبادلات بین المللی، استفاده از امکانات حاضر به منظور حضور موثر و هدفمند در بازار کشورهای هدف و راه های جدید و نوآورانه تسویه تجارت بین الملل می تواند کشور را در دستیابی به این اهداف کمک نماید. بر همین اساس، توجه و تمرکز به ظرفیت بازار بزرگ منطقه، پیشران تحقق برون گرایی سیاست های اقتصادی و تجاری کشور خواهد بود. دستیابی به بازار کشورهای همسایه، در کنار نقش آفرینی همه نهادهای دولتی، تکالیف و وظایف سنگینی را متوجه وزارتخانه های صنعت، معدن و تجارت، امور خارجه و اتاق های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی می کند. گام اول در برون گرایی اقتصادی و توسعه صادرات غیرنفتی، حضور تولیدات و کالاهای ایرانی در بازار همسایگان است. بازار کشورهای منطقه اطراف ایران به دلایلی همچون سهولت دسترسی (وجود مرزهای زمینی و دریایی مشترک که باعث کاهش هزینه های حمل و نقل می شود)، موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی ایران، وجود اشتراکات فرهنگی، مذهبی، زبانی و تمدنی، محوریت ترانزیتی ایران و امکان صادرات مجدد کالاهای تولید ملی به بازارهای فرامنطقه ای از طریق کشورهای همسایه (در نتیجه کاهش آثار تحریم ها بر تجارت خارجی)، دارای اهمیت راهبردی هستند و در هر برنامه ای برای توسعه تجارت خارجی و صادرات کالاهای ایرانی، باید در اولویت قرار گیرند.



با عنایت به این مقدمه کوتاه، گزارش پژوهشی حاضر به دنبال شناسایی چالش‌ها موجود و تبیین راهبردهای پیشنهادی در روابط تجاری ایران با کشورهای ترکیه، عراق، پاکستان و افغانستان بوده است که هر چهار کشور جزو همسایگان ایران و هر یک از جنبه‌های مهم و حائز اهمیت هستند. نکته شایان ذکر آن است که احصای چالش‌ها و پیشنهاد راهکارهای عملیاتی در پاسخ به چالش‌های یاد شده متکی بر تحلیل داده‌های آماری روز و همچنین مصاحبه با سفراء، رایزنان و تجار فعال در حوزه بازرگانی خارجی کشور است. داده‌های آماری مورد استفاده به بررسی وضعیت کنونی و سوابق تجارت خارجی کشورهای ترکیه، افغانستان، پاکستان و عراق می‌پردازد.

افغانستان

افغانستان، کشوری به مساحت ۶۵۲.۸۶۰ کیلومتر مربع و دارای ۹۵۰ کیلومتر مرز مشترک در شرق ایران است. به لحاظ تشابهات فرهنگی، زبانی، تاریخی و دینی کمتر کشوری را می توان یافت که همانند ایران و افغانستان به یکدیگر نزدیک باشند. افغانستان یک کشور زراعتی است و اقتصاد آن بیشتر مبتنی بر فعالیت های زراعتی است. افغانستان به علت توسعه نیافتگی و عقب ماندن بخش صنعتی و تولید آن از روند پیشرفت جهانی، نیاز شدیدی به واردات دارد. هر چند که در این کشور روحیه مصرف گرایی کمتر است، اما متنوع نبودن اقتصاد آن باعث شده تا بسیاری از کالاهای مصرفی روزمره را نیز از سایر کشورها وارد کند. افغانستان بیش از ۹۰ درصد نیازهایش را از خارج و به خصوص از همسایگانش تأمین می کند. از آنجا که افغانستان به آب های آزاد دسترسی ندارد، مقامات این کشور تمایل زیادی برای تجارت با همسایگان دارند. این کشور در حوزه سنگ آهن، مس و سایر سنگ های قیمتی دیگر نیز غنی است. طبق پژوهش ها و تحقیقات صورت گرفته از سوی نهادهای معتبر جهانی، ارزش معادن افغانستان بین یک تا ۲ تریلیون میلیارد دلار تخمین زده شده است. در این بین مناطق و استان های شمالی افغانستان به غنی بودن معادن طلا، لاجورد، زغال سنگ، نقره، لیتیوم، نمک و حوزه های نفت و گاز شناخته می شوند. عمده معادن نفت و گاز در استان های جوزجان، بلخ، قندوز، سرپل و فاریاب کشف شده و استان بدخشان نیز سرشار از معادن طلا، لاجورد، نمک، است. معادن مس بغلان و سرپل نیز از جمله ظرفیت های مهم استان های شمالی افغانستان است. با وجود این منابع، توانایی افغانستان برای بهره برداری مؤثر و توسعه بخش معادن خود با چالش های مختلف از جمله بی ثباتی سیاسی، موضوعات امنیتی، کمبود زیرساخت ها و دانش فنی، سرمایه گذاری محدود مواجه و در نتیجه، ظرفیت کامل ثروت معدنی افغانستان هنوز محقق نشده است.

ایران یکی از شرکای تجاری افغانستان است که تا قبل از به قدرت رسیدن طالبان با تجارت سالانه حدودا دو و نیم میلیارد دلار، یکی از صادر کنندگان مهم برق به افغانستان محسوب می شد. با این وجود به سبب بیش از نیم قرن جنگ داخلی و خارجی در افغانستان، شرایط زندگی و شاخص های کلان اقتصادی آن ها بسیار ضعیف تر از ایران است. همین عامل سبب سیل مهاجران قانونی و غیرقانونی از کشور افغانستان به دیگر نقاط جهان خصوصاً ایران شده است. این کشور از سمت شرق با تاجیکستان و منطقه کشمیر هم مرز است که مردم این مناطق قرابت فرهنگی و دینی زیادی با ایران دارند؛ این مسئله می تواند از نظر صادرات اهمیت بالایی داشته باشد. همچنین روابط راهبردی با افغانستان می تواند مرزهای ایران را عملاً تا چین برساند. کوتاهی ایران در ایجاد ارتباط مستحکم با افغانستان، پای رقبای ایران را به این کشور باز خواهد کرد و دست ایران از سرمایه های انسانی و طبیعی این کشور کوتاه خواهد شد.

با وجود این حجم از مشکلات اقتصادی اما طی سالیان گذشته همواره ایران بیشترین سهم از واردات افغانستان را تأمین نموده است. به موازات حضور طالبان در قدرت، خروج نیروهای ائتلاف جهانی به رهبری آمریکا از افغانستان، با کاهش و سپس قطع کمک های بین المللی و اعمال تحریم های آمریکا بر منابع ارزی این کشور به بهانه تسلط طالبان، محدودیت های ارزی طرف

افغانستانی سبب کاهش سطح واردات از ایران و جهان شده است. به همین دلیل رتبه افغانستان از چهارمین مقصد صادراتی ایران در سال ۱۳۹۷ به ششمین مقصد صادراتی در سال ۱۴۰۱ تنزل پیدا کرده است.

عمده نیاز افغانستان در شرایط کنونی تولیدات صنعتی، معدنی و کشاورزی است که با سیاست‌های طالبان مبنی بر حمایت از تولید داخلی، فرصت خوبی است که ایران رویکرد خود را از تجاری به سرمایه‌گذاری تغییر دهد و با انتقال دانش و فناوری خود به داخل خاک این کشور، نیازهای آنها را تامین کند. محصولات نظیر صنایع غذایی، ماشین‌آلات و مصالح ساختمانی، خدمات فنی و مهندسی و مخابراتی، حمل‌ونقل، لوازم خانگی، دکوراسیون، مبلمان و مصنوعات چوبی، مصنوعات پلاستیکی، موکت و کف‌پوش، تجهیزات پزشکی و آزمایشگاهی، الیاف و منسوجات، پوشاک، پوست و چرم، محصولات آرایشی و بهداشتی، تابلوفرش و صنایع دستی، فرش دستباف و ماشینی، زیورآلات و نقره و... از جمله ظرفیت‌های تجارت با افغانستان به حساب می‌آید.

چالش‌ها

همانطور که مشخص شد، افغانستان یکی از مقاصد اصلی صادراتی ایران است که لازمه حفظ و تداوم آن بازرگاری در موقعیت‌ها، شناخت چالش‌ها و تبیین راهبردهای مقتضی است. از این رو در ادامه به برخی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی تجارت دوجانبه ایران و افغانستان پرداخته می‌شود

مسئله ۱. بی‌ثباتی سیاسی^۱: با خروج نیروهای ائتلاف جهانی به رهبری آمریکا از افغانستان در آگوست ۲۰۲۱ مصادف با مرداد ۱۴۰۰ و فتح کابل توسط طالبان، حکومت جمهوری اسلامی افغانستان سقوط کرد و طالبان تسلط خود را نخستین بار از زمان تشکیل در سال ۱۹۹۶ بر تمام جغرافیای افغانستان تثبیت نمود. علی‌رغم پیگیری مسائل اقتصادی و حتی برگزاری نشست‌های سیاسی توسط کشورهای مختلف جهان با مقامات طالبان، تاکنون هیچ کشوری حاکمیت طالبان بر افغانستان را به رسمیت نشناخته است. وجود حاکمیت طالبان بر جغرافیای افغانستان که نه یک حاکمیت قانونی و پذیرفته شده بلکه یک واقعیت میدانی است، شرایط را برای انعقاد قراردادهای بلندمدت و افق زمانی چندساله با حاکمیت افغانستان بسیار پیچیده و دشوار می‌کند؛ چراکه گرفتن تضامین قانونی برای لازم الاجرا بودن مفاد قرارداد منعقد شده با گروه طالبان در زمان برکناری این گروه عملاً امکان‌پذیر نیست.

مسئله ۲. تحریم‌های اقتصادی و محدودیت منابع ارزی افغانستان^۲: با خروج آمریکا از افغانستان و قطع کمک‌های بین‌المللی که بعضاً بلاعوض و صرفاً برای ادامه حیات سیاسی حکومت وابسته به غرب در افغانستان ارائه می‌شد، شرایط زندگی مردم این کشور بسیار سخت گردید. در این شرایط اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه گروه طالبان و کشور افغانستان که منجر به

¹ Political instability

² Economic sanctions and restrictions on Afghanistan's foreign exchange resources

بلوکه شدن ۹ میلیارد دلار دارایی های خارجی این کشور و همچنین ممنوعیت همکاری شرکت های خارجی در طرح های توسعه ای و استحصال منابع طبیعی افغانستان گردید، عملاً زندگی مردم افغانستان را با مخاطرات جدی رو به رو نمود. بازتاب این اقدامات در کاهش سطح واردات افغانستان از کشورهای جهان خصوصاً ایران منعکس شده است..

مسئله ۳. برخورد سلیقه ای طرف افغانستانی در مرز و عودت دادن کالاهای ایرانی^۳: با تسلط طالبان بر افغانستان در ابتدای امر دست کم به مدت سه ماه هرگونه فعالیت تجاری بین دو کشور تعطیل شد. پس از بازگشایی بازارچه های مرزی از جمله دوغارون و میلک نیز سطح تجارت تا مدت ها به میزان سابق نرسید. کارشکنی های فرماندهان محلی طالبان و برخورد سلیقه ای در هر مرز سبب مشکلات عدیده ای برای کالاهای ایران شده است که حتی در مواردی با دلایلی نظیر عدم کیفیت مدنظر طرف افغانستانی، منجر به عودت دادن کالاها از مرز ایران شده است.

مسئله ۴. ناامنی های مرزی و تعطیلی بازارچه های مرزی^۴: از زمان تسلط نیروهای طالبان بر افغانستان و تحویل پست های مرزی این کشور با ۶ کشور همسایه، نیروهای طالبان به جز کشور چین با دیگر همسایگان، درگیری و تنش مرزی داشته اند. از مجموع ۲۶ درگیری، سهم ایران و پاکستان هر کدام ۱۱ مرتبه بوده است که در بعضی موارد منجر به از دست دادن نیروهای مرزی و شهادت سربازان شده است. هرچند شاخه مرکزی طالبان پس از هر درگیری از عدم تکرار این گونه اتفاقات سخن می گوید، اما آن طور که مشخص است نه تنها شاخه مرکزی تسلط کاملی بر فرماندهان محلی ندارد بلکه از این هربه به عنوان اهرمی برای به دست آوردن خواسته های خود استفاده می کند. فارغ از ریشه های این تنش های مرزی، هر درگیری به بسته شدن مرز از چند ساعت تا چند روز می انجامد که سبب ازدحام در گمرکات، افزایش هزینه ها و حتی از بین رفتن محصولات و کالاهای صادراتی می گردد.

مسئله ۵. دیپلماسی آب و خشکسالی سیستان^۵: مسئله حق آبه هیرمند و بحران خشکسالی سیستان به زمان قاجار و بعد از بزل و بخشش هرات ذیل معاهده پاریس بازمی گردد. نخستین قرارداد صلح میان دو کشور توسط ژنرال گولداسمیت انگلیسی در سال ۱۲۵۰ هجری شمسی منعقد شد که مربوط به تقسیمات مرزی بود و طرفین را از احداث مسیرهای انحرافی که حق آبه دیگری را کاهش دهد منع می کرد. علی رغم توافق، عدم اجرای مفاد آن تا سال ۱۳۱۸ ادامه داشت. در این سال توافق موقتی صورت گرفت که حق آبه پایین دست سد کمال خان بین طرفین به صورت مساوی تقسیم شود و طرفین از ایجاد مسیرهای انحرافی خودداری کنند که این مورد نیز عملی نشد. در سال ۱۳۲۸ با حکمیت آمریکا، حق آبه ایران در هر ثانیه ۲۲ متر مکعب تعیین شد که مورد قبول ایران نبود. سرانجام در سال ۱۳۵۱ ذیل قرارداد ۱۳۲۸ حق آبه ایران در سال آبی نرمال ۲۶ متر مکعب در هر ثانیه معادل ۸۲۰ متر مکعب تعیین شد. با این وجود همچنان خلف وعده در عمل به این قرارداد

³ The tasteful treatment of the Afghan side at the border and the return of Iranian goods

⁴ Border insecurity and the closure of border markets

⁵ Water diplomacy and drought in Sistan

نیز وجود دارد که ثمره آن از بین رفتن بخش عظیمی از ظرفیت های کشاورزی، دام پروری و حتی گردشگری دریاچه هامون است.

مسئله ۶. ضعف زیرساختی؛ گذرگاه های مرزی ایران و افغانستان همچون سایر گمرکات کشور، فاقد تکنولوژی های به روز نظارتی به میزان کافی است. امری که زمان بررسی و ترخیص کالا از گمرکات را افزایش داده و به تبع سبب افزایش هزینه های تجاری می گردد. همچنین در گمرکات ایران و همسایه شرقی، خدمات گمرکی نظیر انبارداری و تست و ارزیابی کیفی محصول از حداقل استانداردها برخوردار است و این امر فرآیند تجارت را طولانی و همراه با مخاطرات غیرقابل پیشبینی می نماید. علاوه بر موارد فنی، تراحمات سازمانی و تداخل وظایف دستگاه های مختلف در نقاط مرزی، بر کندی فرآیند پذیرش و ترخیص کالاها می افزاید و هزینه های اضافی تحمیل می کند.

مسئله ۷. ضعف مسیرهای تجاری و لجستیک^۶: با وجود آن که خط مرزی ایران و افغانستان فاقد ناهمواری های صعب العبور بوده و غالباً به صورت دشت های صاف و مسطح است، فاقد مسیرهای تجاری مناسب اعم از ریلی و جاده ای است. علاوه بر مسیر، دو کشور در تعداد و راندمان کشنده ها نیز با مشکلات عدیده ای رو به رو هستند. امری که انتقال کالا از ایران به افغانستان را با کندی، مشکل و هزینه های زیاد مواجه می کند.

مسئله ۸. قاچاق^۸: به علت شرایط محیطی مناسب که در مورد قبل به آن اشاره شد، سطح درآمد پایین مرزنشینان، سود هنگفت قاچاق اقلامی از جمله سوخت، کالاها، مشمول یارانه دولتی و مواد مخدر، موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای گمرکات و پیچیدگی فرآیندهای گمرکی برای تجارت کالا، اقدام به قاچاق در امتداد مرزهای شرقی کشور امری دور از ذهن نیست. این اتفاق علاوه بر برهم زدن امنیت مناطق مرزی و ناتوانی دولت از کسب درآمد گمرکی، سبب اختلال در سیستم اقتصادی دو کشور می شود و آمارهای منعکس شده را با تورش شدید مواجه می کند. امری که عملاً امکان سیاست گذاری و تصمیم گیری صحیح را از دولتمردان می گیرد.

راهبردها

مطابق بررسی های کارشناسی و استفاده از اصول و چارچوب های دانش تجارت بین الملل، برای چالش های تشریح شده در این بخش راهبردهای زیر پیشنهاد می شوند.

راهبرد ۱. برقراری ارتباط محدود: هرچند در شرایط فعلی چشم انداز روشنی از آینده سیاسی افغانستان مشخص نیست اما بنا بر واقعیت های میدانی، گروهی در جغرافیای این کشور توان مقابله و رویارویی با طالبان را ندارد. از این رو در این شرایط،

⁶ Infrastructural weakness

⁷ Weakness of trade and logistics routes

⁸ smuggling

لازم است بدون به رسمیت شناختن این گروه مذاکرات غیررسمی برای تسهیل تجارت میان دو کشور در افق کوتاه مدت انجام شود. چراکه در حال حاضر به علت نیاز طرف افغانستانی، علاوه بر انجام تجارت و کسب درآمد، می توان امتیازات متعددی از جمله تضمین امنیت مرزی، عمل به تعهدات در قبال حق آبه یا حسن رفتار با شیعیان افغانستان توسط طالبان را مطالبه نمود.

راهبرد ۲. استفاده از ایده های نوآورانه در تسویه تجارت: ایران و افغانستان می توانند مکانیسم های جایگزین مالی و پرداخت مانند تهاتر کالایی یا حواله کارگران افغانستانی در ایران (استفاده از منابع درآمدی کارگران افغانستانی به عنوان محل تسویه با صادرات ایران از سوی واردکنندگان افغانستانی)، استفاده از ارزهای محلی (ریال ایران) یا اعطای حق برداشت از معادن مختلف کشور افغانستان را جایگزین تسویه دلاری در تبادلات تجاری یکدیگر نمایند.

راهبرد ۳. تدوین چارچوب قانونی یکسان و مشخص در گمرکات افغانستان: برای حل این مشکل لازم است تا طرف افغانستانی با تهیه و تدوین چارچوب قانونی خود برای اقلام وارداتی و ابلاغ آن به ایران، از تکرار مشکلاتی نظیر عودت کالاها از مرز جلوگیری کند (به علت اختلاف رویه های گمرکی افغانستان ممانعت از واردات برخی محموله های صادرات از مبدأ ایران رخ می دهد). این مورد می تواند با مطالبه ایران از طرف افغانستانی صورت پذیرد. بدیهی است که این چارچوب می تواند در فواصل زمانی مشخص و از پیش تعیین شده به روز گردد. پس از اجرای این کار و مشاهده تخطی توسط فرماندهان محلی طالبان، توییح آنها توسط شاخه مرکزی و جبران خسارت ایران توسط طرف افغانستانی لازم و ضروری است؛ در صورت مشاهده موارد غیر، می توان صادرات اقلامی همچون سوخت، کالاهای اساسی و موارد عودت داده شده از مرز را تا مدت معینی ممنوع کرد.

راهبرد ۴. استفاده از نیازمندی های افغانستان به عنوان اهرمی برای تثبیت شرایط مرزی: از آن جا که طالبان در عرصه بین الملل خود را یک بازیگر ریسک پذیر معرفی کرده است که در مدت کمتر از دو سال با همه همسایگان درگیری مرزی ایجاد می کند و سبب تحمیل خسارات جانی و مالی می شود، لازم است در مواجهه با این گروه از هرگونه مدارا دست کم در حوزه اقتصادی خودداری شود. به این ترتیب باید به طرف افغانستانی ثابت شود که هزینه های ناامنی مرزی و درگیری میان دو کشور نهایتاً از طریق انسداد گمرکات و بازارچه های مرزی به طور فزاینده ای به کشور افغانستان بازمی گردد و ادامه حیات سیاسی این گروه در جغرافیای افغانستان را با تهدید مواجه می کند. بدیهی است امکان استفاده از حق مشروع دفاع ایران در مقابله با هر درگیری مرزی و نابودی تهدیدات تا عمق چند کیلومتری مرز مشترک محفوظ است.

راهبرد ۵. برق رایگان در ازای آب: همانطور که تشریح شد، موضوع حق آبه سیستان یک مسئله تاریخی است و حتی طی سال های حضور آمریکا در این کشور، برای بسیاری از ساکنین افغانستان به یک مسئله حیثیتی تبدیل شده است. برای حل این مشکل ابتدائاً تلاش از مسیر دیپلماتیک برای انجام تعهدات طرفین مطابق مفاد قرارداد منعقد شده امری واجب و ضروری است. اما به موازات این راه می توان مجدداً از نیازمندی های افغانستان بهره برد. به این صورت که افغانستان نیازمندی شدیدی

به برق وارداتی دارد و بخش قابل توجهی از منابع خود را صرف این مورد می کند. در صورتی که با مذاکرات طرفین قرارداد شود که جاری شدن حق آبه ایران از مجرای خود بدون مشکل تداوم یابد، ایران نیز می تواند متعهد به ساخت توربین های برقی در مسیر جریان این آب نماید. تا به این ترتیب برطرف شدن بخشی از نیازمندی برق افغانستان به تداوم جریان آب به سمت مرزهای ایران به یکدیگر گره بخورد. هرچند لازم است هزینه ساخت این توربین ها و راه اندازی آن با طرف ایرانی باشد اما می توان ذیل قرارداد برای تعمیر و نگهداری توربین ها نیز درآمد ارزی شناسایی کرد و طرف افغانستانی را متعهد به پرداخت هزینه ها نمود.

راهبرد ۶. توسعه زیرساخت های مرزی: در حال حاضر شش گذرگاه مرزی میان ایران و افغانستان وجود دارد که تقریباً همه موارد فاقد زیرساخت های لازم به منظور تسهیل تجارت طرفین هستند. یکی از زمینه های جدی همکاری میان ایران و افغانستان، تلاش برای بهبود زیرساخت ها در امتداد مرز، گسترش بازارچه های مرزی و خدمات گمرکی و همچنین نوسازی رویه های بازرسی و تجهیزات مورد نیاز گمرکی است. ایران و افغانستان می توانند مذاکراتی به منظور ایجاد یک پست گمرکی مشترک با نظارت طرفین را به عنوان راهی برای تسهیل تجارت بین دو کشور بررسی کنند.

راهبرد ۷. توسعه مسیرهای تجاری: ایران و افغانستان می توانند برای بهبود زیرساخت های حمل و نقل بین دو کشور بر پایه دانش ایرانی و منابع معدنی افغانستان اقدام به سرمایه گذاری مشترک نمایند. این مورد می تواند شامل ساخت جاده های ترانزیتی جدید در دو کشور، توسعه خطوط ریلی و نوسازی خدمات حمل بار هوایی باشد. در صورت افزایش راندمان بخش لجستیک در تجارت ایران و افغانستان، ضمن کاهش زمان تجارت و هزینه های تجاری، امنیت مرزی دو کشور نیز تقویت می شود. اتفاقی که در افق میان مدت می تواند با افزایش اتصال، رونق پایدار تجارت دو کشور را تضمین نماید.

راهبرد ۸. افزایش نظارت ها و ایجاد مسیرهای جایگزین قاچاق: ایران و افغانستان می توانند با به اشتراک گذاری اطلاعات، افزایش نظارت ها بر خط مرزی و سرکوب فعالیت های غیرقانونی، تلاش های هماهنگی برای مقابله با قاچاق فرامرزی داشته باشند. همچنین ایجاد پایانه های صادرات محلی سوخت و امکان تجارت قانونی کالاهای اساسی در بازارچه های مرزی ایران از جمله راهکارهایی است که می تواند فراد محلی را به جای پذیرش خطر قاچاق به عرضه قانونی محصولات تشویق نماید. به طور کلی سیاست های تجاری دو کشور باید به گونه ای باشد که با ساده سازی رویه های گمرکی و کاهش تعرفه ها دست کم برای مردم محلی، تجارت فرامرزی مرز نشینان را تسهیل نموده و آن ها را به رویه های قانونی ترغیب نماید.

عراق

عراق با جمعیتی حدود ۴۲ میلیون نفر، کشوری به مساحت ۴۷۳.۰۷۲ کیلومتر مربع و دارای ۱۶۱۰ کیلومتر مرز مشترک در غرب ایران است که در جنوب از خط تالوگ اروند رود آغاز شده و در شمال در نقطه تلاقی سه گانه مرزهای ایران، عراق و ترکیه در کوه دالمپر خاتمه می یابد. عراق از جنوب با عربستان سعودی و کویت، از غرب با اردن و سوریه، از شمال با ترکیه و از شرق با ایران همسایه است. عراق در بخش جنوبی خود، مرز آبی کوچکی با خلیج فارس دارد و دو رود مشهور دجله و فرات که سرآغاز تمدن های باستانی میان رودان در طول تاریخ کهن این منطقه هستند از شمال کشور به جنوب آن روان و با پیوستن به رود کارون، شط العرب را تشکیل می دهند و به خلیج فارس می ریزند. این کشور یکی از بزرگترین کشورهای دارای منابع نفت و عضو شورای همکاری های خلیج فارس است. حدود ۶۵ درصد جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می دهند که با سرنگونی حزب بعث به سرکردگی صدام حسین به واسطه اشتراکات دینی به یکی از اصلی ترین پایه های احیا و تقویت روابط ایران و عراق بعد از جنگ هشت ساله تبدیل شده است.

ژئوپلیتیک عراق از چهار جهت اهمیت راهبردی در فهم سیاست خارجی این کشور و به تبع آن دیپلماسی اقتصادی دیگر کشورها در عراق دارد. نخست آنکه پراکندگی و گاه درهم تنیدگی اقوام، نژادها و رویکردهای سیاسی در عراق تا حد زیادی معماگونه و پیش بینی رفتارهای اجتماعی و تصمیمات سیاسی در مناطق مختلف این کشور سخت و شاید غیر ممکن باشد. دومین ویژگی ژئوپلیتیک عراق نوعی استقرار فدرالیسم در این کشور است که نمود بارز آن در مسئله کردستان عراق به فراخور حوادث چند دهه گذشته قابل گزارش است. ویژگی سوم از ژئوپلیتیک عراق به موقعیت راهبردی آن در نسبت با جغرافیای کشور ایران اشاره دارد. زیرا عراق به طور ذاتی مناسب ترین کشور منطقه در اتخاذ سیاست مهار ایران به حساب می آید و چهارم آن که به لحاظ منطقه پیرامونی و هم چنین مناطق داخلی عراق می توان ادعا داشت که ژئوپلیتیک این کشور همواره امنیتی یا امنیتی شده است. لذا برخوردهای نظامی و اولویت های امنیتی همواره بر راهبردهای عراق سایه افکننده است.

با وجود خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق، به بهانه بهسازی سیستم بانکی این کشور، عملاً اداره منابع ارزی عراق در دست فدرال رزرو آمریکا قرار گرفت و در حال حاضر نیز، رصد تمام تراکنش های مالی این کشور توسط آمریکا صورت می پذیرد. این عامل سبب شده تا بخش قابل توجهی از منابع ارزی ایران در کشور همسایه اش یعنی عراق غیرقابل دسترس باشد. در این سیستم، آمریکا بر تمام فعالیت های تجاری طرفین نظارت کرده و وظیفه صدور اجازه یا عدم اجازه پرداخت دلاری هزینه کالاها و خدمات صادر شده به عراق را بر عهده دارد. با این حال، طی سالیان گذشته همواره عراق جزو یکی از شرکای اصلی تجاری ایران بوده است.

از بازار عراق به دلیل حجم واردات و ارزش مبادلات تجاری و سرمایه گذاری های مورد نیاز به عنوان بزرگترین پروژه اقتصادی نیم قرن اخیر دنیا نام برده می شود. ارزش صادرات و واردات کالایی عراق در سال ۲۰۲۲ به ترتیب ۱۵۵ و ۱۰۵ میلیارد دلار گزارش شده که نسبت به سال ۲۰۲۱ به ترتیب ۶۵ درصد و ۴۳ درصد افزایش داشته و بیانگر بهبود بازار تجاری عراق است.

این آمار و اطلاعات بیانگر این است که اقتصاد عراق روند تدریجی بهبود را پس از پشت سر گذاشتن شوک های کرونا و افت قیمت نفت در سال های قبل را آغاز کرده و رشد اقتصاد نفتی و غیرنفتی این کشور در مسیر فزاینده قرار گرفته است.

بررسی روند تجارت عراق طی دهه اخیر نشان می دهد که همواره صادرات کالا (عمدتا متکی به نفت) در سطحی بالاتر از واردات کالا بوده است. در مقابل فراز و نشیب های صادرات، بخش واردات از ثبات نسبی برخوردار بوده است. مهمترین شرکای تجاری عراق، امارات متحده عربی، چین و ایران است که ایران در سال ۲۰۲۱ با ۸.۹ میلیارد دلار صادرات، ۱۴.۶ درصد بازار عراق و رتبه چهارم را به خود اختصاص داده است. بهترین جایگاه ایران در بازار عراق مربوط به سال ۲۰۱۸ با اختصاص سهمی در حدود ۱۶.۷ درصد از بازار مذکور بوده است.

عمده نیازهای ضروری کشور عراق را میتوان در ۱۰ گروه ماشین آلات مکانیکی، الکتریکی و تجهیزات حمل و نقل، مواد شیمیایی، محصولات کشاورزی و صنایع غذایی، پوشاک و منسوجات، فلزات و محصولات معدنی، سنگ و شیشه، پوست و چرم و کالاهای صنعتی متفرقه عنوان کرد که اکنون ۶۵ درصد از واردات عراق را به خود اختصاص داده است. کشور عراق سالانه به صورت میانگین از این ۱۰ گروه حدود ۱۶ میلیارد و ۷۶۴ میلیون دلار به طور متوسط در پنج سال اخیر واردات داشته است که بیشترین میزان واردات کشور عراق ماشین آلات کشاورزی با ۳۰ درصد از کل بازار و کمترین میزان با ۱۴۷ هزار دلار مربوط به پوست و چرم با سه دهم درصد بوده است.

اشتراکات تاریخی، مذهبی، قومی، زبانی، فرهنگی، مرز مشترک طولانی توأم با تراکم جمعیتی به سمت ایران و به تبع آن هزینه حمل و نقل ارزانتر و چهارده گذرگاه رسمی و بازارچه مرزی از جمله مزیت های نسبی جمهوری اسلامی ایران نسبت به رقبای تجاری و همسایگان آن کشور محسوب می شود. شرایط اقلیمی کشور عراق، وجود پدیده جنگ و تخریب بسیاری از زیرساخت های این کشور و نیاز روزافزون به مصالح ساختمانی و کالاهای مختلف، افزایش جمعیت و تلاش عراق برای صنعتی شدن، شرایط بسیار مناسبی را برای کشورهای دیگر به ویژه ایران فراهم آورده است تا از طریق صادرات به عراق ارزآوری قابل توجهی داشته باشند.

چالش ها

اهم چالش های پیش روی تجارت دوجانبه ایران و عراق پرداخته می شود تا با شناخت موقعیت فعلی، امکان برنامه ریزی و تلاش برای تسهیل روابط تجاری و گسترش تجارت دوجانبه فراهم آید.

مسئله ۱. اقدامات غیرتعرفه ای^۹: عراق برای کالاهای ایرانی موانع غیرتعرفه ای از جمله گواهی مبدا، استانداردهای فنی، الزامات ترخیص کالا از گمرک و حتی ممنوعیت واردات اعمال می کند. این اقدامات اغلب کارکرد محافظتی داشته و با هدف

⁹ Non-tariff measures

حمایت از کالاهای تولید داخل عراق یا صنایع نوپای آن صورت می‌پذیرد، اما بعضاً با دلایل سیاسی و با هدف ناکامی شرکت‌ها و تولیدکنندگان ایرانی یا گروه خاصی از تولیدکنندگان ایرانی اعمال می‌شوند. به طور کلی این اقدامات مانع رقابت شرکت‌های ایرانی می‌شوند و تولیدکنندگان کشور ما از این امر متضرر می‌گردند.

مسئله ۲. تحریم‌های اقتصادی^{۱۰}: آمریکا با تحریم‌های اولیه و ثانویه‌ای که بر ایران وارد می‌کند، در عمل امکان شکوفایی تولیدات ایرانی و توانایی رقابت کسب و کارهای ایرانی با رقبای خارجی را برای دسترسی به بازارهای بین‌المللی با چالش‌هایی رو به رو می‌کند که از جمله آن‌ها محدودیت دسترسی به تکنولوژی و سرمایه‌گذاری‌های مشترک است. به عبارت دیگر در دوره جدید از تعاملات اقتصادی که سرمایه‌گذاری و تولید مشترک از عواید اقتصادی و غیر اقتصادی بیشتری نسبت به تجارت برخوردار است، تأثیرات مخرب تحریم‌ها قابل توجه می‌شود. این دست چالش‌ها تنها محدود به روابط ایران و عراق نشده و روابط ایران با دیگر کشورها را دچار اختلال ساخته است. هرچند بخش خصوصی متفاوت از بخش دولتی، عملکرد منعطف و کارآمدتری دارد و کشورهای همسایه و همسو در چند سال اخیر تاحدی از الزام به تحریم‌های یکجانبه علیه ایران فرار می‌کنند.

مسئله ۳. محدودیت‌های بانکی^{۱۱}: با تحریم بانک مرکزی ایران در سال ۲۰۰۹ توسط آمریکا، عملاً ایران از چرخه بانکداری بین‌الملل حذف گردید. به دلیل این محدودیت، دسترسی کسب و کارهای ایرانی به سیستم‌های بانکی بین‌المللی ممنوع شد و بازار عراق نیز از این قاعده مستثنی نیست. اتفاقی که به طور ویژه در عراق به واسطه تسلط کامل فدرال رزرو بر منابع ارزی این کشور، سبب عدم امکان تسویه تجارت دو کشور همسایه، هم مرز و هم‌مذهب شده است. این اقدام، تسویه تجارت ایران و عراق را بر پایه دلار بسیار سخت و جز در موارد مشخص غیرممکن می‌کند.

مسئله ۴. تنش‌های سیاسی^{۱۲}: ساختار تقسیم قدرت در این کشور به نوعی است که بعضاً سبب ناکامی در تشکیل دولت می‌شود و خلاء سیاسی به وجود آمده، روابط اقتصادی و تجاری را با کشورهای مختلف تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. به علاوه حضور و نفوذ آمریکا به صورت نظامی و فکری در این کشور، به طور ویژه سبب بحرانی شدن تعاملات دو کشور در برهه‌های مختلف زمانی شده است. به عنوان مثال، بمباران مراکز کتائب حزب‌الله عراق در ۸ دی ماه ۱۳۹۸، حمله به سفارت آمریکا در بغداد در تاریخ ۱۰ دی ماه ۱۳۹۸ و ترور شهید قاسم سلیمانی در فرودگاه بغداد در ۱۳ در ماه ۱۳۹۸، منجر به بسته شدن مرزهای دو کشور برای چندین ماه شد.

مسئله ۵. خطر داعش و گروه‌های تکفیری^{۱۳}: با گذشت نزدیک به یک دهه از حمله نیروهای داعش و هم‌پیمانان آن‌ها به شمال عراق در تیر ماه سال ۱۳۹۳ و اعلام خلافت جهانی این گروه، در حال حاضر پایگاه‌های پشتیبانی و مقرهای مشخص این گروه در عراق به طور کامل از بین رفته است و همچون اوایل قدرت‌گیری دارای تشکیلات منسجمی نیستند. اما تحرکات

¹⁰ Economic sanctions

¹¹ Banking restrictions

¹² Political tensions

¹³ The danger of ISIS and Takfiri groups

پراکنده‌ای خصوصاً در قسمت‌های شمالی عراق به منظور ناامن‌سازی این مناطق از سوی این گروه دنبال می‌شود که می‌تواند شرایط جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تعاملات دو جانبه بلندمدت را با مخاطراتی مواجه سازد.

مسئله ۶. ضعف زیرساختی: فقدان سرمایه‌گذاری در امور زیرساختی به ویژه در حوزه مسیرهای حمل و نقل تجاری و خطوط انتقال انرژی، کمبود در بخش لجستیک و به روز نبودن سیستم‌های نظارتی گمرکی مانع از گسترش هرچه بیشتر تجارت میان دو کشور ایران و عراق شده است. به علاوه تراحمات سازمانی و تداخل وظایف دستگاه‌های مختلف در نقاط مرزی، بر کندی فرآیند پذیرش و ترخیص کالاها می‌افزاید و هزینه‌های اضافی تحمیل می‌کند.

مسئله ۷. تجارت نامتوازن: روابط تجاری ایران و عراق نامتعادل و به نفع ایران است که این اختلاف ناشی از فقدان تنوع و ساختار ناپایدار اقتصاد عراق است اما این وضعیت ممکن است به پایداری و تداوم تجارت دو جانبه لطمه وارد کند لذا لازم است که ایران برای جلوگیری از به خطر افتادن تجارت به عراق رویکرد جدیدی در تجارت با این کشور داشته باشد از جمله اینکه به فکر سرمایه‌گذاری‌های مشترک با این کشور باشد.

راهبردها

مطابق بررسی های کارشناسی و استفاده از اصول و چارچوب های دانش تجارت بین الملل، برای چالش های تشریح شده در این بخش راهبردهای زیر پیشنهاد می شوند.

راهبرد ۱. انعقاد توافقنامه های فنی^{۱۴} و سلامت^{۱۵}: TBT و SPS دو اصطلاح در حوزه مقررات و استانداردهایی است که ذیل اقدامات غیرتعرفه ای برای تولید و تجارت کالا و خدمات در اکوسیستم تجارت بین الملل اعمال می شود. TBT به مجموعه مقررات و استانداردهای فنی اطلاق می شود که با هدف اطمینان از حداقل های کیفی کالا و خدمات اعمال می گردد. SPS نیز مجموعه اقداماتی است که برای محافظت از سلامت انسان و طبیعت اعم از حیوانات و گیاهان در برابر خطرات ناشی از ورود، استقرار یا گسترش آفات و بیماری ها به کار می رود. این اقدامات ممکن است شامل الزاماتی همچون آزمایش، بازرسی مرزی، صدور گواهینامه، قرنطینه و سایر روش ها باشد که زمان و هزینه های تجارت را افزایش می دهد. در صورت انعقاد توافقنامه های فنی و سلامت میان کشورهایایی که سطح بالایی از تجارت را تجربه می کنند، می تواند به کاهش چشمگیر موانع تجاری، تسهیل جریان روان کالا و خدمات در سراسر مرزها، کاهش هزینه ها و در عین حال تضمین حفاظت از سلامت انسان و ایمنی محیط زیست کمک نماید. دولت های ایران و عراق می توانند با مذاکره و انعقاد توافقنامه های TBT و SPS به صورت متقابل، فرآیند صدور گواهی مبادا، استانداردهای فنی و الزامات ترخیص کالا از گمرکات را تسریع نمایند. این امر منجر به انطباق تولیدات دو کشور با استانداردهای یکسان می شود و از سردرگمی تجار و هزینه های اضافی می کاهد.

راهبرد ۲. سرمایه گذاری مشترک: دو کشور ایران و عراق می توانند با استفاده از دانش ایرانی و سرمایه عراقی اقدام به سرمایه گذاری های مشترک در خاک یکدیگر نمایند. ثمره این اتفاق رشد اقتصادی هر دو کشور و گره خوردن منافع آن ها به یکدیگر است. به واسطه دید خوب عموم مردم عراق به ایران و درهم تنیدگی دو ملت با گرایشات مذهبی و مراسماتی همچون راهپیمایی اربعین، ورود ایران به این بازار حتی با وجود کارشکنی های آمریکا و وجود رقبای سرسخت امری ممکن و عملی خواهد بود.

راهبرد ۳. استفاده از ایده های نوآورانه در تسویه تجارت: ایران و عراق می توانند به منظور تسویه تبادلات تجاری از مکانیسم های جایگزین مالی و پرداخت مانند تهاتر کالایی یا هزینه های توریسم مذهبی ایران در عراق و تجارت با ارزهای محلی ذیل پیمان پولی دوجانبه استفاده کنند. در مورد پول های بلوکه شده ایران در عراق نیز می توان با سرمایه گذاری مجدد

¹⁴ Technical Barriers to Trade (TBT)

¹⁵ Sanitary and Phytosanitary (SPS)

این پول در اقتصاد عراق، آن‌ها را به دارایی‌های مولدی همچون پالایشگاه‌ها و چاه‌ها نفت برون‌مرزی تبدیل نمود تا منبع ارزش و خلق درآمد ملی برای کشور باشد.^{۱۶}

راهبرد ۴. تقویت مناسبات و تعمیق همکاری‌ها: ایران و عراق می‌توانند بر طبق موازین حسن همجواری ارتباط نزدیک خود را با یک‌دیگر حفظ و تقویت نمایند و با گفتگوهای سازنده و مشوق‌های اقتصادی تنش‌های مقطعی را کاهش دهند. یکی از اقدامات سازنده در این مسیر، احیا و تقویت کمیته‌های مشترک اقتصادی به منظور تسهیل گفتگو و همکاری‌ها در زمینه‌هایی از جمله انرژی، کشاورزی و تولیدات صنعتی است. این امر می‌تواند ثمرات مثبتی در فضای بخش خصوصی هر دو کشور داشته و محیط تجاری را بهبود بخشد. همچنین دولت‌های ایران و عراق می‌توانند کانال‌های ارتباطی دیپلماتیک و گفت‌وگوی منطقه‌ای و بین‌المللی را برای ثبات منطقه، گسترش مشارکت‌های اقتصادی و احیای مناسبات دیپلماتیک با کشور ثالث حفظ نمایند.

راهبرد ۵. تثبیت امنیت: به منظور تثبیت امنیت سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای درگیر جنگی همچون عراق، در یک افق بلندمدت دولت‌های ایران عراق می‌توانند ذیل یک پیمان امنیتی-اقتصادی با استفاده از اهرم‌های دیپلماتیک، نظامی و اقتصادی اولاً تسلط دولت مرکزی بر همه مناطق جغرافیایی این کشور را تثبیت نمایند و به پشتوانه قوانین خاک عراق، نیروهای نظامی خارجی را از این کشور اخراج نمایند. در وهله بعد مناطق و صنایع مستعد سرمایه‌گذاری را با اولویت در اختیار ایران قرار دهند که در دوران سختی همچون نبرد با تروریست‌های چندملیتی داعش در کنار دولت و مردم عراق ایستاده است.

راهبرد ۶. توسعه زیرساخت‌های مرزی و مسیرهای تجاری: ایران و عراق می‌توانند در توسعه زیرساخت‌های اساسی از جمله ساخت خطوط لوله گاز، ایجاد شبکه‌های ریلی و جاده‌ای جدید، تسهیل دکوپاژ و حمل و نقل برون مرزی و ارتقای امکانات گمرکی سرمایه‌گذاری کنند. در بعضی موارد همچون خط لوله انتقال گاز ایران به اروپا از مسیر عراق-سوریه-لبنان موسوم به خط لوله دوستی، خط لوله کشورهای اسلامی یا خط لوله مقاومت تنها با هماهنگی کشورهای دخیل در این پروژه می‌توان با برگزاری مناقصه‌های بین‌المللی اقدام به جذب توسعه‌دهنده^{۱۷} و راه‌انداز^{۱۸} نمود و بر روند اجرای پروژه نظارت کرد.

^{۱۶} هرچند این روزها خبر آزادسازی منابع بلوکه شده ایران در عراق و چند کشور دیگر دنیا در رسانه‌ها منعکس می‌شود، اما باید توجه داشت که فرآیند مسدودسازی مجدد دارایی‌های ایران در این کشورها و موارد مشابه، امری قابل بازگشت است و به تمایل و اراده آمریکا بستگی دارد. لذا ایران برای رهایی دائمی از مخاطرات این چنینی، نیازمند راه‌حلی قطعی است که تنها منوط به اراده خود باشد؛ از این رو استفاده از دارایی‌های بلوکه شده به عنوان اهرمی برای سرمایه‌گذاری در همان کشور توصیه می‌شود.

^{۱۷} Developer

^{۱۸} Operator

ترکیه

ترکیه، با جمعیت حدود ۸۴ میلیون نفر (سال ۲۰۲۰) کشوری به مساحت ۷۸۳.۵۶۲ کیلومتر مربع و دارای ۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک در شمال غربی ایران است که قسمت اعظم آن را مناطق کوهستانی صعب‌العبور تشکیل می‌دهد و چهار استان آغری، ایگدیر، وان و حاکاری از ترکیه با استان آذربایجان غربی ایران هم مرز هستند. ترکیه کشوری اوراسیایی است که بخش بزرگ کشور یعنی آناتولی یا آسیای کوچک در شمال غرب آسیا و خاورمیانه واقع است و بخش کوچکی نیز به نام تراکیه در منطقه بالکان (منطقه‌ای در جنوب شرق اروپا) قرار دارد. ترکیه در شرق با کشورهای ایران، نخجوان، ارمنستان، و گرجستان؛ در جنوب شرقی با عراق و سوریه؛ و در شمال غربی (بخش اروپایی) با بلغارستان و یونان همسایه است. همچنین ترکیه از شمال با دریای سیاه، از غرب با دو دریای کوچک مرمره و اژه و از جنوب غرب با دریای مدیترانه مرز آبی دارد. دو تنگه راهبردی بسفر و داردانل نیز در اختیار ترکیه است.

ترکیه با قرار گرفتن در یکی از حساس‌ترین مناطق جهان، دارای موقعیت جغرافیایی راهبردی و بسیار خوبی است و گذرگاه شمال غرب آسیا و اروپا به‌شمار می‌آید و کشورهای بسیاری، به ویژه کشور ایران از خاک ترکیه برای ترانزیت کالا و انرژی استفاده می‌کنند. رقابت دو کشور ایران و ترکیه در حوزه‌های مختلف قدمتی تاریخی دارد و دست‌کم از زمان حکومت صفویه و امپراطوری عثمانی در جریان است. با این حال، دو کشور برای قرن‌ها شرکای تجاری یک‌دیگر بوده‌اند و روابط اقتصادی و فرهنگی قوی بین دو ملت وجود دارد. امروزه نیز مشخصاً در حوزه اقتصادی، ترکیه اصلی‌ترین رقیب ایران در بازارهای هدف صادراتی است اما با نگاهی جامع می‌توان گفت که اقتصاد ایران و ترکیه در برخی بخش‌ها مکمل یک‌دیگر و در برخی دیگر رقابتی هستند.

از نظر رقابت، ایران و ترکیه هر دو تولیدکننده و صادرکننده طیف متنوعی از محصولات معدنی و کشاورزی هستند. به عنوان مثال، هر دو کشور به پسته‌های باکیفیت، میوه و سبزیجات خود شناخته می‌شوند. با این حال، ایران به عنوان یکی از تولیدکنندگان عمده نفت و گاز در جهان شهرت دارد که در مقابل، ترکیه از اقتصاد متنوع‌تری برخوردار است و بخش تولیدی آن روند رشد بهتری دارد. اقتصاد ایران متکی بر منابع طبیعی است و در مقابل اقتصاد ترکیه به طور فزاینده‌ای بر محصولات با فناوری‌های پیشرفته متمرکز شده است. یکی از مهم‌ترین زمینه‌های همکاری اقتصادی ایران و ترکیه در بخش انرژی است، چراکه ایران دارای ذخایر نفت و گاز قابل توجهی است و ترکیه تقاضای فزاینده‌ای برای منابع انرژی دارد. در سال‌های اخیر، ترکیه به طور فزاینده‌ای به واردات گاز طبیعی ایران که حدود یک سوم کل واردات گاز آن را تشکیل می‌دهد، متکی شده است.

از نظر تجارت، عمده صادرات ترکیه به ایران را ماشین‌آلات صنعتی، تجهیزات حمل و نقل، آهن و فولاد، منسوجات و مواد شیمیایی تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر، عمده سبب صادراتی ایران به ترکیه شامل محصولاتی بر پایه نفت و گاز می‌شود.

علیرغم تنش های سیاسی میان دو کشور در چند سال اخیر، حجم تجارت بین دو کشور همواره نسبتاً ثابت بوده و حتی در دهه گذشته روند افزایشی به خود گرفته است. در سال ۱۴۰۱ ترکیه سومین مقصد کالاهای صادراتی ایران بوده است.

به طور خلاصه، کشورهای ایران و ترکیه دارای روابط اقتصادی متنوع و پیچیده، با پیوندهای تاریخی قوی پیرامون همکاری ها و رقابت های بخشی هستند. در مجموع، روابط اقتصادی ایران و ترکیه فرصت مهمی برای هر دو کشور به منظور گسترش فرصت های تجاری و سرمایه گذاری ایجاد می کند که به منظور تسهیل شرایط آن در ادامه به ذکر مهم ترین چالش های تجاری میان دو کشور پرداخته خواهد شد.

چالش ها

روابط تجاری ایران و ترکیه در طول سده های گذشته برقرار بوده است و به اقتضای شرایط داخلی و راهبردهای منطقه ای و بین المللی این دو کشور چالش هایی نیز به طور متناوب پیش آمده است. بررسی ها نشان می دهد در حال حاضر اهم چالش های موجود در روابط دوجانبه اقتصادی ایران و ترکیه مواردی به شرح ذیل است:

مسئله ۱. تعرفه ها و موانع تجاری^{۱۹}: ایران و ترکیه متقابلاً بر روی یکدیگر عوارض گمرکی، محدودیت های تجاری (و حتی ممنوعیت واردات برخی اقلام در برخی دوره ها به مناسبت اقدام به تنظیم بازار به ویژه در دوران تلاطم های بازار ارز) را وضع کرده اند که مانع قابل توجهی در زمینه گسترش تجارت دوجانبه است.

مسئله ۲. اقدامات غیرتعرفه ای^{۲۰}: موانع غیرتعرفه ای، مانند استانداردهای محصول، الزامات مجوز و مقررات برچسب گذاری، تجارت بین ایران و ترکیه را محدود می کند. عدم شناخت متقابل گواهینامه های کنترل کیفیت برای محصولات کشاورزی مانند پسته، فرآیند صادرات را پیچیده می کند و هزینه های اضافی را بر صادرکنندگان تحمیل می نماید.

مسئله ۳. تحریم های اقتصادی: تحریم های اقتصادی اعمال شده علیه ایران توسط ایالات متحده و دیگران می تواند توانایی شرکت های ایرانی را برای دسترسی به بازارهای بین المللی، مالی و فناوری محدود کند و روابط تجاری با ترکیه را با مشکل مواجه سازد.

مسئله ۴. محدودیت های بانکی: به دلیل تحریم های اعمال شده از سوی آمریکا، بانک های ایرانی از ورود به سیستم بانکی جهانی منع شده اند و دسترسی کسب و کارهای ایرانی به بازارها و مشتریان بین المللی را دشوار می کند. در نتیجه، کسب و کارهای ایرانی مجبور شده اند برای تجارت با ترکیه به مکانیسم های جایگزین مانند مبادله کالایی و قاچاق روی آورند.

¹⁹ Tariffs and Trade Barriers

²⁰ Non-Tariff Measure

مسئله ۵. تنش های سیاسی: تنش های سیاسی بین ایران و ترکیه بر سر چندین موضوع مانند درگیری سوریه، بحران پناهندگان سوریه، مسئله اقلیم کردستان و توسعه طلبی های جمهوری آذربایجان وجود دارد که می تواند به عنوان موانع تجاری مهمی عمل کند.

مسئله ۶. تفاوت های اجتماعی و فرهنگی^{۲۱}: دو هویت مستقل و مجزای ایران و ترکیه در کنار رقابت های اقتصادی-سیاسی دو کشور طی تاریخ در حوزه های اجتماعی و فرهنگی نیز ساری و جاری است. تفاوت های زبانی، فرهنگی و خوانش متفاوت هر یک از دین اسلام با رویکردهای برتری جویی می تواند روابط تجاری ایران و ترکیه را مبهم و پیچیده کند.

مسئله ۷. ضعف زیرساختی: ضعف در زیرساخت های فنی و ملزومات تجارت خارجی یکی از مشکلات مزمن در مرزهای مختلف ایران با کشورهای همسایه همچون ترکیه است. با توجه به ناهمواری های مرزی دو کشور و صعب العبور بودن این مناطق، عدم توسعه پروژه های زیربنایی ایران و ترکیه به ویژه در مناطق مرزی منجر به مشکلات عدیده ای از جمله در حوزه حمل و نقل و ترانزیت برای تجار شده است که خود را با افزایش و هزینه های تجارت میان دو کشور نشان می دهد.

²¹ Social and Cultural Differences

راهبردها

مطابق بررسی های کارشناسی و استفاده از اصول و چارچوب های دانش تجارت بین الملل، برای چالش های تشریح شده در این بخش راهبردهای زیر پیشنهاد می شوند.

راهبرد ۱. انعقاد توافقنامه ی تجارت آزاد: برای گسترش تجارت و تسهیل شرایط مناسب برای فعالیت تجار بخش خصوصی دو کشور، دولت های ایران و ترکیه می توانند بر سر توافقنامه ی تجارت آزاد مذاکره کنند. به این ترتیب تعرفه های گمرکی که بر طیف وسیعی از محصولات و خدمات اعمال می شوند، از سمت دو طرف و بنا به توافق، طی زمان مشخصی حذف خواهند شد. این امر هزینه تجارت بین دو کشور را کاهش داده و قدرت رقابت کالاهای هر کشور در فضای اقتصادی کشور دیگر را نسبت به سایر رقبا به شدت افزایش می دهد. این مورد پیش نیاز گسترش تعاملات اقتصادی و تبادلات تجاری است که راه را برای ایجاد فرصت های سرمایه گذاری مشترک و پایدار در افق میان مدت هموار می کند.

راهبرد ۲. انعقاد توافقنامه های فنی^{۲۲} و سلامت^{۲۳}: TBT و SPS دو اصطلاح در حوزه مقررات و استانداردهایی است که ذیل اقدامات غیرتعرفه ای برای تولید و تجارت کالا و خدمات در اکوسیستم تجارت بین الملل اعمال می شود. TBT به مجموعه مقررات و استانداردهای فنی اطلاق می شود که با هدف اطمینان از حداقل های کیفی کالا و خدمات اعمال می گردد. SPS نیز مجموعه اقداماتی است که برای محافظت از سلامت انسان و طبیعت اعم از حیوانات و گیاهان در برابر خطرات ناشی از ورود، استقرار یا گسترش آفات و بیماری ها به کار می رود. این اقدامات ممکن است شامل الزاماتی همچون آزمایش، بازرسی مرزی، صدور گواهینامه، قرنطینه و سایر روش ها باشد که زمان و هزینه های تجارت را افزایش می دهد. در صورت انعقاد توافقنامه های فنی و سلامت میان کشورهایی که سطح بالایی از تجارت را تجربه می کنند، می تواند به کاهش چشمگیر موانع تجاری، تسهیل جریان روان کالا و خدمات در سراسر مرزها، کاهش هزینه ها و در عین حال تضمین حفاظت از سلامت انسان و ایمنی محیط زیست کمک نماید.

راهبرد ۳. تغییر ریل اقتصادی و حرکت به سمت تکمیل زنجیره ارزش: به منظور کاهش اثرات تحریم در حوزه تجارت بین الملل در کشورهای مختلف لازم است ریل اقتصادی ایران از اقتصاد تک محصولی با رویکرد توزیعی به اقتصاد چند محصولی با رویکرد تولیدی تغییر یابد. در این مسیر با داشتن منابع طبیعی در دسترس می توان بر توسعه زنجیره ارزش تولیدات دارای مزیت کشور اقدام نمود و برای رسیدن به تولید کالاهای نهایی خلق ارزش بیشتر تلاش کرد. استفاده از مجموعه ها خلاق و دانش بنیان در کنار دسترسی به منابع طبیعی و نیروی انسانی کارآمد، می تواند به سه ضلع خنثی سازی تحریم ها تبدیل شود و حرکت به سمت تولیدات تحریم نشدنی را تسریع نماید.

²² Technical Barriers to Trade (TBT)

²³ Sanitary and Phytosanitary (SPS)

راهبرد ۴. استفاده از سیستم های بانکی جایگزین یا ایده های نوآورانه در تسویه تجارت: بانک های ایرانی و ترک می توانند روابط بانکی ویژه ذیل پیمان پولی دوجانبه خارج از چرخه سویفت برقرار نمایند و با جابه جایی اعتبارات اسنادی دسترسی کسب و کارهای ایرانی به سیستم بانکی بین المللی را آسان تر کنند. علاوه بر این، بانک های دو کشور می توانند با استفاده از سیستم های پیام رسان بانکی جایگزین نظیر SPFS تبادلات مالی را انجام دهند. استفاده از اتاق های تسویه یکی از ایده های نوآورانه ای است که حتی خارج از چرخه بانکی می تواند تبادلات مالی دو کشور را بر پایه ارزهای ملی سامان دهد.

راهبرد ۵. تشکیل کمیسیون صلح یا مذاکرات چندجانبه: رقابت ژئوپلیتیک ایران و ترکیه یک واقعیت میدانی است. هر یک از دو کشور به واسطه ظرفیت های خود داعیه رهبری جهان اسلام را داشته و به دنبال توسعه نفوذ منطقه ای و بین المللی خود هستند. اما با یک خرد جمعی و به منظور کاهش سطح التهابات میان دو طرف و تقلیل موازنه تهدیدات و فشار متقابل، دو کشور ایران و ترکیه می توانند با رعایت اصول حسن همجواری برای حل اختلافات سیاسی خود به صورت هماهنگ اقداماتی را انجام دهند. از جمله این اقدامات می توان به تشکیل کمیسیون صلح یا مذاکرات چندجانبه به منظور حل کردن تعارضات و تقویت روابط تجاری دوجانبه اشاره نمود.

راهبرد ۶. تعمیق روابط فرهنگی: ایران و ترکیه به عنوان دو کشور مسلمان و همسایه، می توانند تبادل فرهنگی را به منظور میل از رقابت مخرب به رقابت سودمند برای هر دو طرف به صورت هماهنگ گسترش دهند. ایجاد فرصت های یادگیری زبان، تبادل دانشجویان میان دو کشور و تکیه بر اشتراکات تاریخی و منطقه ای می تواند محیطی مناسب تر برای کسب و کارها و کارآفرینان دو کشور که به دنبال فرصت های تجاری هستند، ایجاد کند.

راهبرد ۷. توسعه زیرساختی: از جمله طرح های مهمی که می تواند بین دو کشور ایران و ترکیه ایجاد شود، ساخت یک مسیر ریلی برای اتصال تهران به آنکارا و ارتقای گذرگاه های مرزی برای تسهیل تردد کالاها است. همچنین مسئله تکمیل خط لوله گاز ایران به اروپا از مسیر ترکیه موسوم به خط لوله پارسی که از سال ۲۰۰۸ مطرح شده است، خصوصاً در برهه کنونی که روابط اروپا و روسیه به واسطه جنگ دیگر مثل گذشته نیست و اروپا به دنبال متنوع سازی مبادی واردات گاز طبیعی است، بسیار مهم جلوه می کند. بماند که پنجره فرصت ها در تجارت خارجی با وجود سرعت تحولات جوامع بشری، برای همیشه به روی سیاستمداران گشوده نیست. پروژه خط لوله پارسی نیز از این قاعده مستثنی نیست و رقبای جدی منطقه ای دارد که در صورت بی توجهی تصمیم گیران کشور، مزیت فعلی صادرات گاز طبیعی ایران از طریق خط لوله به اروپا در آینده نزدیک از بین خواهد رفت.

پاکستان

پاکستان کشوری در آسیای جنوبی واقع در غرب شبه قاره هند است. این کشور در جنوب مرز آبی هزار کیلومتری با دریای عمان دارد و از غرب با ایران، از شمال با افغانستان، از شرق با هندوستان و از شمال شرق با چین هم مرز است. مساحت



پاکستان ۸۸۱،۹۱۳ کیلومتر مربع است. پایتخت آن اسلام آباد و بزرگترین شهر آن کراچی نام دارد. پاکستان، پرجمعیت ترین کشور همسایه ایران است که با بیش از ۲۲۰ میلیون نفر جمعیت در سال ۲۰۲۰ میلادی، پنجمین کشور پرجمعیت جهان (پس از چین، هند، ایالات متحده آمریکا و اندونزی) با رشد جمعیتی بالا و به لحاظ سنی، بسیار جوان است که بیش از ۲۰ درصد جمعیت این کشور را شیعیان و علاقه مندان به انقلاب اسلامی تشکیل میدهد. حدود هفتاد درصد جمعیت پاکستان در روستاها زندگی می کنند. پاکستان با انقلاب سبز و تکنولوژیکی که از دهه ۱۹۷۰ در بخش کشاورزی آغاز کرده، از جمله تولیدکنندگان بزرگ محصولات کشاورزی شامل برنج و گندم و دیگر محصولات است. در واقع، کشاورزی، دامپروری و صیادی شغل بیشتر مردم و بخشی از منابع صادراتی این کشور شده است. همچنین ذخایر عظیمی از معادن کروم و سنگ آهن را در خود جای داده بطوریکه بخشی از صادرات پاکستان را نیز به خود اختصاص داده است. در بخش صنعت هم در صنایع اسلحه سازی، کشتی سازی، ماشین سازی و ادوات کشاورزی، صنایع دستی شامل مصنوعات چوبی، پارچه، رنگرزی، سوزن دوزی و زیورآلات توان صادراتی خود را حفظ کرده است. پاکستان گرچه از منابع نفت و گاز، ذغالسنگ و آهن هم برخوردار است، اما ذخایر قابل توجهی ندارد و بیشتر تامین کننده مصارف داخلی است. این کشور با تولید ناخالص داخلی نزدیک به ۳۱۸ میلیارد دلاری خود رتبه ۴۱ جهان در حجم تولید و در شاخص برابری قدرت خرید نیز رتبه ۲۴ جهان را دارد. البته، بالا بودن نرخ رشد جمعیت (سه درصد)، فقدان منابع زیرزمینی، هرج و مرج در سیستم مالیاتی، رشد فساد مالی در دستگاه حاکمه و افزایش سرسام آور هزینه های نظامی مانع از آن گردیده تا اقتصاد بیمار این کشور سامان پیدا کند.

ایران و پاکستان به عنوان دو کشور همسایه و تاثیرگذار در منطقه غرب آسیا، دارای ۹۲۴،۸ کیلومتر مرزهای مشترک (۶۱۳،۴ کیلومتر مرز خشکی و از طریق دریای عمان ۳۱۱،۴ مرز آبی)، اشتراکات دینی و مذهبی، اشتراکات فرهنگی و آداب و رسوم می باشند و به دلیل مرزهای مشترک و نزدیکی دو کشور به هم، هزینه های تجارت (صادرات و واردات) بین دو کشور نسبت به سایر کشورها بسیار پایین می باشد و انتظار می رود که روابط تجاری دو کشور به ویژه با روی کار آمدن دولت جدید پاکستان گسترش یابد. چرا که گسترش دیپلماسی اقتصادی با همسایگان به ویژه پاکستان، راهی موثر در راستای افزایش رشد صادرات و مقاوم کردن اقتصاد کشور با توجه به بازگشت دوباره تحریم ها است. از سوی روابط دوجانبه و پیوندهای اقتصادی میان دو کشور، می تواند چارچوب همکاری های ایران با قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای دیگر را نیز به شدت متأثر سازد. به ویژه آنکه بازار ۲۰۰ میلیون نفری پاکستان به عنوان دومین کشور مسلمان بعد از اندونزی، یک بازار وارداتی است و نسبت تقریباً دو برابری واردات به صادرات در پاکستان زمینه حضور کالاها و خدمات ایرانی در بازار این کشور را به صورت بالقوه فراهم کرده است. با اینکه برنج، انبه، نارنگی، لوازم و تجهیزات صنعتی، دانه کنجد، قوطی جعبه و دام زنده و حیوانات مولد نژاد خاص از جمله کالاهای وارداتی ایران از پاکستان است، زمینه های بسیار زیادی در جهت گسترش صادرات به پاکستان در حوزه های انرژی، لوازم ساختمانی، پتروشیمی، محصولات صنعتی، محصولات کشاورزی و غذایی از جمله میوه جات وجود دارد. این درحالی است که اقلام عمده صادراتی به اکثر شرکای تجاری ما مواد پتروشیمی است؛ اما حجم متنوعی از کالاها از قبیل انواع روغن های صنعتی، فرش ماشینی و کفپوش ها، مواد شوینده، کاشی و سرامیک، میوه و صیفی جات، حبوبات، پسته، خرما،

مواد پلاستیکی، پوست خام و قیر به پاکستان صادر می شود. بازار پاکستان یکی از بازارهای مکمل ایران نیز به حساب می آید؛ یعنی علاوه بر اینکه کالاهای متعددی به این کشور صادر می شود، در مقابل برخی از کالاهای اساسی به ویژه در محصولات کشاورزی از پاکستان وارد می شود.

چالش ها

اهم چالش های قابل توجه در مناسبات اقتصادی ایران و پاکستان به شرح زیر است:

مسئله ۱: یکی از چالش های اساسی تجارت میان ایران و پاکستان، مشکلات نقل و انتقال بانکی و کارمزدهای بالای آن است. در ارتباط با پاکستان به طور معمول صادرکنندگان به صورت حواله ای کار می کردند اما با شروع تحریم ها و محدودیت هایی که دولت ایران برای برگشت ارز به کشور در نظر گرفت، صادرکنندگان این منطقه دچار مشکل شده اند.

مسئله ۲: مدیریت مرز، امکانات و چالش های مرتبط با آن قابل توجه است. اولاً یکی از مشکلات اصلی تجارت با پاکستان قاچاق کالا است که به واسطه مرزهای طولانی و نسبتاً ناامن و عدم کنترل مرزهای مشترک به خصوص از طرف پاکستان این موضوع تشدید شده است. ثانياً نبود زیرساخت های مناسب حمل و نقل ریلی و جاده ای بین مرزهای دو کشور همچون فرسودگی خط آهن در پاکستان، سنتی بودن حمل کالا در تجارت میان دو کشور و همچنین فقدان ارتباط الکترونیک بین گمرکی از چالش های عمده گسترش سطح روابط تجاری و اقتصادی دو کشور است. ثالثاً چهار بازارچه و گذرگاه رسمی مرزی چون میرجاوه در شهرستان میرجاوه، بازارچه مرزی کوهک و جالق در شهرستان سراوان، بازارچه مرزی پیشین شهرستان سرباز و بازارچه مرزی ریمدان شهرستان چابهار بین ایران و پاکستان وجود دارد که از میان آنها تنها بازارچه و گذرگاه میرجاوه و اخیراً ریمدان در حال حاضر فعال است و بقیه به خاطر نبود امکانات زیرساختی فعلاً از دور خارج هستند.

مسئله ۳: بازار پاکستان یک بازار کاملاً رقابتی است و اتاق های بازرگانی، اتحادیه ها و تشکل ها نقش بسیار پررنگی در اقتصاد این کشور دارند اما نقش دولت صرفاً قانونگذاری و سیاستگذاری است و دخالتی در بازار ندارد. از سوی دیگر، سابقه بیش از ۲۰ ساله عضویت در سازمان تجارت جهانی و داشتن تجارت آزاد با کشورهای آسیایی مثل چین و مالزی، رقابت و ورود به بازار پاکستان را سخت تر از سایر کشورهای همسایه کرده است. در این میان، بالا بودن تعرفه های صادراتی کالاهای ایران به پاکستان یکی از مهم ترین موانع گسترش روابط تجاری دو کشور است. حال اینکه به عنوان مثال، تعرفه دولت چین و عربستان برای صادرات کالا به پاکستان حدود پنج درصد است. اما این میزان برای ایران در برخی مواقع به ۴۰ تا ۴۵ درصد نیز می رسد. یکی از دلایل آن، عضویت پاکستان در سازمان تجارت جهانی (WTO) است که ایران در آن عضو نیست و همین سبب شده پاکستانی ها با ایران رفتار سلیقه ای داشته باشند.

مسئله ۴: در راستای طرح «یک کمر بند یک جاده» چین و قسمت منطقه ای آن یعنی کریدور اقتصادی چین و پاکستان (معروف به CPEC)، بندر گوادر در نزدیکی مرز ایران، به عنوان تهدیدی علیه توسعه بندر چابهار تلقی می شود. در این میان یکی از مشکلات اساسی بندر چابهار، نداشتن پسرکانه مناسب و آماده نبودن زیرساخت های ریلی لازم برای انتقال بار از این بندر است. این موضوع سبب شده تا هزینه حمل و نقل مواد اولیه و محصولات، سهم بالایی در قیمت تمام شده کالاها در این بندر داشته باشد و ممکن است در آینده مزیت اصلی رقابتی چابهار، در برابر پاکستان کاهش پیدا کند. مهم تر آنکه با توجه به پشتیبانی قوی چین از احداث و توسعه بندر گوادر باید فاکتور زمان را در تاسیس و راه اندازی خط ریلی چابهار - زاهدان در نظر گرفت. متأسفانه هندی ها در طول سال های گذشته سرعت مناسبی در زمینه سرمایه گذاری توسعه چابهار نداشته اند. بدون شک در رقابت میان چابهار و گوادر، بندری حرف اول آینده تجاری منطقه را خواهد زد که بتواند هرچه سریعتر (در قیاس با رقیب) خدمات مورد مشتریان این مسیر را فراهم کند.

مسئله ۵: هم اکنون بسیاری از مردم کشور پاکستان خواستار سفر به ایران و زیارت اماکن مذهبی ایران هستند، اما با توجه به سخت بودن تردد جاده ای در مرزها و عدم پیشرفت در راه اندازی قطار مسافربری بین دو کشور، به نسبت ظرفیت حضور گردشگر پاکستانی در ایران، تعداد اندکی می توانند سفر کنند.

مسئله ۶: فقدان یک استراتژی و سیاست تجاری مشخص برای تعامل با دولت و تجار بخش خصوصی پاکستان، معرفی نشدن کالاهای ایرانی در بین مشتریان پاکستان و کم بودن تبلیغات محصولات ایران در این کشور از دیگر مشکلات توسعه تجارت دوجانبه دو کشور است.

مسئله ۷: با توجه به واردات دام زنده و لاشه از پاکستان، کنترل های بهداشتی متعارف در این کشور جدی گرفته نمی شود و برای حل این موضوع تا کنون اراده قوی از خود نشان نداده اند.

مسئله ۸: فقدان مکانیزم تهاتری میان دو کشور سبب شده است پاکستان از طریق امارات کالاهای ایرانی را وارد کند. از سوی دیگر حجم بالای نیروی کار اعزامی پاکستان به این دو کشور، کمک های بلاعوض ایالات متحده امریکا، عربستان سعودی و امارات متحده عربی به پاکستان، شدت خصومت های سیاسی پاکستان با هند، حجم سرمایه گذاری بالای چین در پاکستان باعث می شود تا روابط ایران و پاکستان تا حد قابل توجهی متأثر از رفتار و تصمیم دیگر بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای باشد.

مسئله ۹: با وجود ظرفیت بالای بازار پاکستان جمهوری اسلامی ایران تنها یک رایزن بازرگانی در این کشور دارد.

راهبردها

پاکستان به عنوان پرجمعیت‌ترین همسایه ایران، فرصت مناسبی برای صادرات کالاهای تولید داخل است. چرا که قرابت‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی؛ شباهت در تقاضای کالا و خدمات و کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل که سبب رقابت پذیری کالاهای ایرانی می‌شود، مزیت تجارت با کشور پاکستان است. تجار و بازرگانان ایرانی باید از این فرصت استفاده کنند و نفوذ کالاهای ایرانی در بازار پاکستان را افزایش دهند. ایران در تامین بسیاری از نیازمندی‌های پاکستان مانند گازماید (ال پی جی)، فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی (نفت، قیر، نفت سفید، گازوئیل، بنزین، کودهای شیمیایی، تولیدات پلیمری و...)، لبنیات، خشکبار، لوازم خانگی، لوازم بهداشتی، لوازم ساختمانی، سیمان و بسیاری دیگر از کالاها این قابلیت را دارد که سهم بیشتری از بازار پرجمعیت کشور همسایه شرقی را از آن خود کند؛ و البته تامین این نیازهای وارداتی برای پاکستان از طریق ایران بسیار اقتصادی‌تر از دیگر کشورهاست. در ادامه به اهم راهبردهای پیشنهادی برای توسعه مناسبات اقتصادی ایران و پاکستان اشاره می‌شود.

راهبرد ۱: تدوین استراتژی جامع تجارت و سرمایه‌گذاری ایران و پاکستان

با هدف تلاش برای متوازن سازی مبادلات تجاری بین دو کشور و برنامه‌ریزی برای افزایش حجم تجارت رسمی بین دو کشور تا پنج میلیارد دلار در افق ۵ ساله بایستی نقشه راه جامعی برای تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی ایران و پاکستان تهیه شود. به نظر می‌رسد مطابق این سند مواردی از قبیل زیر قابل توجه خواهد بود:

۱. سرمایه‌گذاری مشترک به ویژه در حوزه‌های خدمات فنی و مهندسی، نساجی، چرم، صنعت بسته‌بندی، کشت فراسرمینی محصولات اساسی و حتی میوه‌جات با توجه به ظرفیت بالای منابع طبیعی و سرمایه انسانی پاکستان در این زمینه‌ها و دعوت از سرمایه‌گذاران و تجار پاکستانی برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های صنعتی و انرژی ایران مانند مرز میرجاوه یا مناطق آزادی همچون چابهار.
۲. افزایش انعطاف پذیری در تجارت محصولات کشاورزی بین ایران و پاکستان به منظور افزایش درآمدهای ارزی، تامین اقلام کشاورزی مورد نیاز ایران از جمله گوشت و برنج و انبه از طریق پاکستان و تبدیل شدن ایران به هاب صادرات تولیدات پاکستانی به ویژه در ترانزیت سودآور برنج، انبه و نارنگی پاکستان از طریق ایران به دیگر همسایگان و متقابلاً تامین سوخت و برق پاکستان از طریق ایران.
۳. اقدام به واردات کالاهای اساسی پزشکی و دارویی از پاکستان.
۴. تقویت سرمایه‌گذاری مشترک در منطقه آزاد چابهار و توسعه روابط بین بندر چابهار و بندر گوادر پاکستان با ایجاد واحدهای مشترک برای صادرات کالا به پاکستان و هم صادرات مجدد کالا به کشورهای ثالث و همچنین تأمین نیاز بازار داخل در برخی از اقلام.
۵. استفاده و تمرکز بر ظرفیت ممتاز شیعیان پاکستانی به منظور ارتقای سطح روابط تجاری.
۶. تشکیل کنسرسیوم‌های تخصصی با تجار پاکستانی بدون حضور دولت مرکزی

راهبرد ۲: اصلاح و تقویت نهادی ایران و پاکستان

چنین به نظر می رسد که بخش قابل توجهی از کارآیی تجارت و سرمایه گذاری های متقابل ایران و پاکستان در گرو اصلاحات نهادی و طراحی مجدد ساختارهای تصمیم گیری و اجرای سیاست های مربوطه است. در این رابطه به مواردی از قبیل زیر می توان اشاره داشت:

۱. تقویت اتاق مشترک بازرگانی دو کشور و تشکیل کنسرسیوم های صادراتی جهت حضور پایدار بخش خصوصی واقعی (کارآفرینان، صنعتگران و بازرگانان) در بازار پاکستان.
۲. افزایش تعداد رایزنان بازرگانی ایران در پاکستان به طوری که در هر ایالت مهم این کشور مانند لاهور، کراچی و کوئته حداقل یک رایزن وجود داشته باشد.
۳. دعوت از کشورهای اتحادیه همکاری منطقه ای حاشیه اقیانوس هند (IOR) برای شکل گیری یک اتحادیه منطقه ای با محوریت چابهار.
۴. تلاش برای عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان تجارت جهانی (WTO)
۵. استفاده از ظرفیت سازمان های اقتصادی منطقه ای نظیر اکو، سازمان همکاری های شانگهای و دی ۸ برای گسترش همکاری های اقتصادی بین دو کشور.

راهبرد ۳: کمک به بازاریابی محصولات ایرانی در پاکستان

شناخت دقیق فعالان اقتصادی ایران و پاکستان از ظرفیت ها، مقررات و امکانات دو کشور در تجارت خارجی و جذب سرمایه گذاری لازمه توسعه این گونه روابط است که از طریق اقداماتی نظیر موارد ذیل قابل انجام است:

۱. برگزاری نمایشگاه های تخصصی-کالا های ایرانی در بخش های کشاورزی و مواد غذایی، شیمیایی، پتروشیمی و نساجی (برای مثال، سرامیک، کاشی، مواد شوینده و بهداشتی و کنسرو شده) با هدف معرفی کالاها، فروش و صادرات.
۲. اعطای نمایندگی فروش و پخش کالا های ایران از سوی تولیدکنندگان ایرانی به بازرگانان پاکستان و ایجاد شبکه های توزیع محصولات ایرانی و شبکه خدمات پس از فروش در این کشور.
۳. افزایش رایزنی ها با وزارت خارجه پاکستان به منظور تسریع در صدور روادید تجاری برای تجار ایرانی.
۴. تولید محتوای ترویجی چندرسانه ای از کالاها و خدمات ایرانی به زبان اردو در رسانه های پاکستانی.

راهبرد ۴: کاهش اثر تحریم های بانکی و انتقالات پولی

درگیر شدن جمهوری اسلامی ایران با تحریم های ظالمانه به ویژه در حوزه نقل و انتقالات بانکی و همچنین وضعیت کنونی پاکستان در لیست خاکستری FATF اتخاذ رویکردهای فعالانه ای را برای کاهش اثر این تحریم ها، تسهیل تبدلات پولی را می طلبد که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. توسعه پیمان پولی برای استفاده از پول های محلی در تجارت با پاکستان و کنار گذاشتن دلار از روند معاملات.
۲. استفاده از ظرفیت ACU و GTC برای نقل و انتقالات بانکی.
۳. افتتاح شعبه های بانک های ایرانی در شهرهای تجاری پاکستان.
۴. لزوم استفاده از سیستم تهاتری با کشور پاکستان.

راهبرد ۵: بهبود لجستیک تجاری با تأکید بر خط آهن

تأمین زیرساخت های لازم برای تسهیل حمل و نقل کالا و نگه داری آن، بازرسی های معمول گمرکی و مراقبت های بهداشتی از جمله مهم ترین راهبردهای مورد نظر در روابط با پاکستان است. از همین رو اقداماتی پیشنهاد می گردد که به شرح زیر است:

۱. افزایش تعداد پایانه های رسمی و بین المللی بین دو کشور برای ارائه خدمات تجاری.
۲. ارتقای فناوریانه و تحول در نیروی کارشناسی گمرکات مرتبط با پاکستان مانند میرجاوه.
۳. گسترش همکاری های ریلی با تأکید بر ترمیم و توسعه خط آهن کویته - زاهدان؛ به ویژه از کویته تا منطقه مرزی تفتان (در خاک پاکستان) به دلیل قدیمی بودن، دارای اشکالاتی است و نیازمند رسیدگی و انجام کارهای تعمیراتی فوری است.
۴. تعویض و یا اصلاح خط ریلی زاهدان - میرجاوه به دلیل عریض بودن آن و عدم امکان ورود قطار های ایرانی.
۵. تسریع در پیوستن چابهار به راه آهن سراسری زاهدان - بم و بافق - مشهد برای اتصال به شبکه ۱۴۶ هزار کیلومتری مسیر راه آن روسیه و کشورهای مشترک المنافع اروپا.

راهبرد ۶: اصلاحات و مدیریت روابط مرزی

پاکستان از جمله همسایگانی است که از مرز طویل زمینی با ایران برخوردار است. این مهم در عین چالش هایی که داشته است؛ می تواند طمینه مناسبی برای فعال سازی امکانات کنونی و طرح های جدیدی راجع به توسعه تجارت و رونق سرمایه گذاری های متقابل و مشترک در واحدهای مرزی باشد. اقداماتی نظیر موارد ذیل در همین رابطه پیشنهاد می گردد:

۱. اجرای پروژه های مشترک مرزی به منظور بررسی گندم و دام های وارداتی از پاکستان در راستای حفظ امنیت غذایی و افزایش واردات محصولات کشاورزی و دام زنده از پاکستان.
۲. رونق بازارچه های مرزی و بنادر چابهار و گوادر در جهت افزایش و وابستگی متقابل و امنیت ساز.
۳. سامان دهی به قاچاق کالا و سوخت بین ایران و پاکستان با توجه به اینکه در قاچاق، کیفیت کالا لحاظ نمی شود.

راهبرد ۷: رونق گردشگری با محوریت گردشگری دریایی و زیارت

اتصال دریایی مشترک ایران و پاکستان به دریای عمان و اقیانوس هند از سویی و اشتراکات فرهنگی و در هم آمیختگی نژادی دو کشور زمینه های مساعدی را برای پیشرفت در درآمدهای گردشگری (اعم از انواع تفریحی، زیارتی، درمانی و ...) فراهم نموده است که اقداماتی را لازم دارد. از جمله این اقدامات موارد زیر پیشنهاد می گردد:

۱. ایجاد زیرساخت های صنعت گردشگری و دهکده های توریسم دریایی در سواحل مکران و بندر چابهار.
۲. راه اندازی قطار بین المللی ترکیبی پاکستان-زاهدان-کربلا با توجه به افزایش سالیانه زائران پاکستانی اربعین.
۳. تسهیل صدور روادید گردشگری و معرفی جاذبه های مربوطه به ویژه به مقصد مشهد مقدس و قم (با هدف زیارتی)، عبور از ایران به مقصد عتبات عالیات و مقصد شیراز (با هدف تفریحی و درمانی).

نتیجه گیری

ایران، کشوری با تاریخ چند هزار ساله در منطقه‌ی غرب آسیا است که به لحاظ برخورداری از منابع طبیعی سرشار نظیر نفت و گاز در رتبه نخست جهان قرار دارد. می‌توان گفت که ایران دارای دو مرز فرهنگی و سیاسی است. مرز فرهنگی آن که شامل زبان، دین و آداب و رسوم می‌شود که نشأت گرفته از تاریخی کهن است و بی‌اغراق ریشه‌های آن در جوامع مختلفی از هند تا مرزهای اروپا دیده می‌شود. مرز سیاسی نیز به گستره کنونی جغرافیایی ایران اطلاق می‌شود که طی دو بیست سال اخیر به واسطه خیانت‌ها و سرسپردگی‌ها، بسیار مورد هجوم قرار گرفته و رفته رفته قسمت‌هایی از آن جدا شده است. با این همه کشور ایران، سرزمین فرصت‌ها و موقعیت‌های کم‌نظیری است که استفاده از آن‌ها می‌تواند تصمیم‌کننده رشد و پیشرفت این کشور باشد.

با وجود این که اقتصاد ایران تا حد زیادی به نفت و منابع طبیعی متکی است، با افزایش مستمر فشار تحریم‌های ظالمانه آمریکا بر کشور و قرار گرفتن در تنگنای اقتصادی، لاجرم مسیر حرکت به سمت اقتصاد چندمحصولی و توسعه روابط اقتصادی با کشورهای جهان به روی ایران گشوده شد. در این مسیر، بنا بر اصول تجارت بین‌الملل و اهمیت فواصل در پایداری روابط اقتصادی، گسترش تعاملات تجاری با کشورهای همسایه و هم‌پیمان در اولویت ایران قرار گرفت. از این رو در این نگارش به اهم چالش‌های موجود در روابط تجاری ایران با چهار شریک مهم تجاری ایران پرداخته شد و با توجه به منافع ملی، راهکارهایی برای حل و فصل مسائل مطرح شده و تسهیل شرایط به منظور گسترش روابط تجاری پیشنهاد گردید.

حل چالش‌های تجاری و تلاش به منظور توسعه تجارت با کشورهای افغانستان، پاکستان، عراق و ترکیه به دلایل متعددی برای ایران حیاتی است. در وهله اول، گسترش تعاملات تجاری ایران با همسایگان خود به می‌تواند تحریم‌های اقتصادی آمریکا و کشورهای اروپایی را که از سال ۲۰۰۹ بر ایران شدت یافت، تا حد زیادی خنثی کند. در ثانی، توسعه روابط اقتصادی و گسترش تبادلات تجاری ایران با کشورهای همسایه، نفوذ منطقه‌ای ایران را تقویت می‌کند و به ایجاد شبکه‌ای از متحدان اقتصادی منجر می‌شود که منافع آن‌ها با ایران به یک‌دیگر گره خورده است. همچنین تعامل تجاری پایدار ایران به عنوان یکی از کشورهای دارای مواد اولیه، منابع انرژی و تولیدات متنوع با همسایگان، می‌تواند به سود همه طرف‌های شریک در تجارت باشد.

در بلندمدت، ایران با توسعه تجارت خود با کشورهای همسایه خصوصاً افغانستان، پاکستان، عراق و ترکیه می‌تواند با معرفی خود به عنوان یکی از بازیگران کلیدی در عرصه تجارت بین‌الملل، ضمن قرارگیری در مسیرهای ترانزیتی مهم جهان، با استفاده از این مسیرها به بازارهای جهانی دست‌یابد. این امر علاوه بر درآمدزایی و افزایش ذخایر ارزی در دسترس، سبب بی‌معنا شدن تحریم‌ها می‌شود و حتی با ایجاد مشاغل جدید در ایران به بهبود نرخ رشد اقتصادی کشور کمک می‌کند.

منابع

- آذرافروزپور، محمدرضا (۱۴۰۱)، چالش ها و فرصت های تجارت خارجی ایران در عراق، قابل دسترس در: <https://iranthinktanks.com/challenges-and-opportunities-of-irans-foreign-trade-in-iraq>
- پیشگاهی فرد، زهرا و امیر قدسی (۱۳۸۷)، «بررسی و تحلیل ویژگی های ژئوپلیتیکی پاکستان و نقش آن در روابط با سایر کشورها»، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۶۳.
- جعفری، محمد (۱۴۰۰)، «راهبردهای ارتقای امنیت اقتصادی بر پایه همکاری ایران و پاکستان»، ماهنامه علمی امنیت اقتصادی، دوره ۸، شماره ۱۰.
- شیرزادی، رضا؛ پورقربان، محمد و حیدری، بهمن (۱۴۰۱). «زمینه ها و چالش های روابط اقتصادی ایران و ترکیه (۲۰۲۰-۲۰۰۰)»، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، دوره ۱۲، شماره ۴.
- عرب پور، امیرحسین (۱۳۹۸)، «ظرفیت دیپلماسی اقتصادی ایران و افغانستان در کاهش فشار تحریم ها»، کنفرانس بین المللی اقتصاد جهانی و تحریم ها.
- عندلیب، محمد (۱۴۰۰)، «آسیب شناسی روابط اقتصادی ایران و پاکستان»، اولین کنفرانس ملی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران (فرصت ها و چالش های ۱۴۰۴-۱۴۰۰).
- گزارش سیاست تجاری عراق (۱۴۰۱)، مرکز پژوهش های اتاق بازرگانی ایران، قابل دسترس در: <https://iccima.ir/s/mfapxT>
- محمدی، حمیدرضا و ابراهیم احمدی (۱۳۹۵)، «تحلیل دوسطحی از ژئوپلیتیک واگرایی روابط ایران و پاکستان (سناریوهای آینده این روابط و ارائه راهکارهای همگرایی)»، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۹.
- مصاحبه با محمدمهدی جوانمرد قصاب، مشاور اقتصادی نماینده ویژه رئیس جمهور در امور افغانستان. تاریخ مصاحبه: ۱۴۰۲/۰۵/۱۶
- منتی، ایوب و صفوی همامی، سید حمزه (۱۴۰۲)، «دیپلماسی اقتصادی و رقابت های ژئواکونومیکی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در عصر پساداعش؛ بازارها و فرصت ها» فصلنامه مطالعات خاورمیانه، دوره ۳۰، شماره ۲.
- میرزایی، جلال؛ عباس زاده فتح آبادی، مهدی و صدری علی بابالو، صیاد (۱۳۹۳)، «ابعاد و دستاوردهای دیپلماسی اقتصادی ترکیه در سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳»، نشریه تحقیقات سیاسی و بین المللی، دوره ۶، شماره ۲۰.